

نگاهی اجمالی به یافته‌های پژوهش ارزشیابی برنامه در زبان فارسی دوره متوسطه

فاطمه سادات میر عارفین

دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی

مقدمه

برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه را که سال‌هاست از اجرای آن در مدارس کشور می‌گذرد، باید نیازمند بررسی دانست تا در تغییر و تحولات جدید برنامه‌ها بتواند علاوه بر به‌روز شدن و متناسب شدن با نیازهای فردی و اجتماعی مخاطبان خود، از پشتوانه‌ای علمی برخوردار شود. لذا طبق ضرورت اعلام شده، بخش زبانی برنامه از طریق یک بررسی همه‌جانبه، میدانی و ملی مورد نقد دبیران و دانش‌آموزان این دوره قرار گرفت. استان‌های نمونه این پژوهش شامل آذربایجان شرقی، تهران و شهرستان‌های آن، خراسان رضوی، هرمزگان و گیلان بودند و دانش‌آموزان از هر دو جنس دختر و پسر در پایه‌های اول، دوم، سوم رشته علوم انسانی (تخصصی) و سوم رشته غیرعلوم انسانی (عمومی) و دبیران آن‌ها و نیز سرگروه‌های آموزشی این درس در کلیه استان‌های کشور به‌عنوان نمونه منتخب، دستاوردهای این پژوهش را رقم زدند.

یافته‌های پژوهش

در این مطالعه، تأکید اصلی بر بخش زبانی برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه در دو حوزه اجرا و تحقق اهداف بود. شایان ذکر است که به‌دلیل حجم قابل توجه نتایج به‌دست آمده و برای پرهیز از اطناب، در این مقاله



و پاسخ و سخنرانی را روش تدریس غالب در کلاس درس قرار می‌دهند و در اجرای روش تدریس تنوع کمتری به‌کار می‌گیرند. آن‌ها عدم استفاده از سایر روش‌ها را با محتوای کتاب و امکانات موجود و زمان تعیین شده برای آموزش مرتبط می‌دانند. اگرچه معتقدند که در برخی از موارد و به اقتضای موضوع، تلفیقی از روش‌های تدریس نیز در کلاس قابلیت اجرایی دارند. از سوی دیگر، تعداد کمتری از دبیران روش‌های دیگری همچون قصه‌گویی و ایفای نقش، گردش علمی، تفکر استقرایی، بدیع‌پردازی، حل مسئله، واحد کار یا پروژه، کارایی گروه تدریس اعضای گروه را در کلاس قابل استفاده ذکر کرده‌اند. در این خصوص، استدلال این گروه برای عدم

محورهایی که از نظر نگارنده در عرصه اجرا اهمیت بیشتری دارند، مورد توجه قرار گرفته و ارائه شده‌اند.^۱ یادآور می‌شود که انجام پژوهش و ارائه یافته‌ها معطوف به بخش‌های کیفی به‌عنوان رویکرد غالب بوده است.

۱. اجرای برنامه

الف. روش‌های یاددهی - یادگیری
نتایج مربوط به این بخش حاکی است که اکثر دبیران، به‌رغم آشنایی با روش‌های تدریس همچون پرسش و پاسخ، بحث گروهی، ایفای نقش، قصه‌گویی و نمایش خلاق، گردش علمی، تفکر استقرایی، حل مسئله، واحد کار یا پروژه، کارایی گروه و تدریس اعضای گروه، روش‌های پرسش

استفاده از بعضی روش‌ها یا کاربرد کمتر آن‌ها حجم زیاد محتوای دروس، وقت کم، تکرار مباحث - که به کاهش تمرکز و بی‌توجهی می‌انجامد - عدم مشارکت فعال دانش‌آموزان در کلاس به دلیل اجرای روش‌های سنتی تدریس، کامل و به‌روز نبودن مطالب کتاب راهنمای معلم در مورد شیوه‌های تدریس و... می‌باشد. همچنین نظرات اکثر دبیران حاکی از آن است که دوره‌ای به‌منظور آشنایی با روش‌های

دیگر بر انجام ندادن آزمون‌های تکوینی ماهیانه و فعالیت‌های نگارشی می‌دانند و از عدم آشنایی دقیق دبیران با انواع ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و اهداف آن به‌عنوان مهم‌ترین مانع برای انجام سنجش تحصیلی دانش‌آموزان، نام برده‌اند که سبب نادیده گرفتن پرسش‌های مستمر شفاهی و توجه به مهارت‌های گفتن و شنیدن در کلاس از سوی دبیران می‌شود. این گروه همچنین ضمن اشاره به این نکته که

یادگیرندگان (دیدگاه‌های دبیران)
در مجموع اکثر دبیران، محتوای کتاب را در کلیه مهارت‌های چهارگانه با درک و فهم دانش‌آموزان، متناسب دانسته‌اند اما در بخش زبان‌شناسی و املا، کمتر و در بخش دستور زبان و نگارش، بیشتر با نیازهای دانش‌آموزان تناسب دارد. به علاوه، فعالیت‌های مربوط به این بخش‌ها نیز از نظر اکثریت، متناسب با فهم و درک دانش‌آموزان ارزیابی شده است. از سوی دیگر، ایشان در توضیحات تکمیلی اظهار داشته‌اند که اگر قرار باشد هدف کتاب (یعنی طرح افکار و اندیشه‌ها) در قالب گفتار تحقق پذیرد و کلاس‌ها مکانی برای تمرین کاربرد درست زبان برای فراگیرندگان باشد، باید بخشی از تمرین‌ها به این امر اختصاص یابد. این مسئله به‌ویژه در حوزه تمرین‌های نگارش امکان‌پذیر است. همچنین بنا به اظهار نظر این گروه از پاسخ‌دهندگان، بخش زبان‌شناسی، دانش و نگارش و مهارت‌های ذهنی ایجاد می‌کند اما به شکل ایده‌آل، به مهارت‌های عملی منجر نمی‌شود. دبیران درباره ضرورت برخورداری از مهارت‌های نگارشی خود سخن گفته و بیان داشته‌اند که کاربردی نبودن آموزش‌ها در زندگی روزمره دانش‌آموزان، یکی از مشکلات آموزش زبان فارسی است. ایشان درس ویرایش را از ضروری‌ترین دروسی ذکر کرده‌اند که دانش‌آموزان برای ویرایش نوشته‌های خود با آن‌ها باید داشته باشند.

دبیران درباره املا ادعان داشته‌اند که ظاهراً با کم‌رنگ کردن قسمت املا چند مهارت را (گوش دادن، خواندن، نوشتن و...) ناخودآگاه از دانش‌آموزان گرفته‌ایم. در مقابل، بخش «بیاموزیم» را بسیار کاربردی و متناسب با نیاز دانش‌آموز ذکر کرده‌اند؛ زیرا خلاصه و مفید نوشته شده است و با درک دانش‌آموزان همخوانی دارد. همچنین، از مبحث «باید و نباید‌های املایی» به‌عنوان نقطه قوت این بخش یاد کرده‌اند؛ چرا که در تقویت مهارت درست نوشتن تأثیر بسیاری دارد. این در حالی است که برخی دیگر، بخش املا را مورد انتقاد قرار داده و بیان کرده‌اند که املا یکی از مباحث مهمی

تدریس، برگزار نشده و یا در صورت برگزاری، کیفیت مناسبی نداشته است.

ب. روش‌های سنجش تحصیلی (ارزشیابی)

به زعم اکثر دبیران، در خصوص ارزشیابی پیشرفت تحصیلی (به‌ویژه در سال‌های اخیر)، دوره‌ای برگزار نشده است و آشنایی با روش‌های ارزشیابی ضرورت دارد. آن‌ها معتقدند که به دلیل زیاد بودن تعداد دانش‌آموزان، فرصت برای ارزشیابی از آموخته‌های آنان در همه ابعاد کم است و از طرفی، به دلیل حجم زیاد مطالب درسی گاهی اشاره به برخی از جزئیات، حین ارزشیابی پایانی امکان‌پذیر نمی‌باشد. دبیران کمبود وقت را دلیلی

ارزشیابی تکوینی به درستی تبیین نشده است تصریح می‌دارند که تلقی دبیران از ارزشیابی تکوینی، اخذ چند آزمون دوره‌ای و اختصاص نمره به آن است؛ در حالی که ماهیت ارزشیابی تکوینی با این طرز تلقی تفاوت بسیار دارد. به عبارتی، ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان در یک فرایند آموزشی و به‌منظور یافتن نقایص و کاستی‌های آموزشی و بهبود روش‌های مورد نظر از طریق بازخوردهای لازم صورت می‌گیرد. برخی دیگر معتقدند که لازم است هر دو سال یک‌بار دوره‌هایی با حضور متخصصان فن و مؤلفان کتاب برگزار شود.
پ. تناسب محتوای کتاب درسی با نیازها، علائق، فهم و درک، و شرایط و موقعیت‌های واقعی زندگی





است که مهجور مانده و همین امر سبب شده است که ضربه شدیدی به توانایی‌های نوشتنی و درست نوشتن دانش‌آموزان وارد آید. به علاوه، بخش املا هیچ‌کدام از مهارت‌های شنیدن و گفتن را تقویت نمی‌کند؛ چه در متن و چه در فعالیت‌ها. ایشان معتقدند که نکات تکراری سال‌های پیش، باعث دل‌زدگی دانش‌آموزان می‌شود و نیز محتوای کتاب در بخش دستور زبان در مهارت خواندن عملاً بی‌تأثیر است. به اعتقاد دبیران، کتاب در ایجاد علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان، بسترسازی مناسب برای بروز خلاقیت‌ها، ایجاد و تقویت روح نشاط و زنده‌دلی، تقویت مهارت‌های ذهنی مخاطبان و کشف و پرورش استعداد‌های کلامی و نویسندگی دانش‌آموزان توفیق کمتری داشته است.

دیدگاه‌های دانش‌آموزان

در مجموع، اکثر دانش‌آموزان بر این عقیده‌اند که محتوای بخش دستور زبان در کتاب با نیازهای آموزشی آنان تناسب بیشتری دارد؛ در حالی که این تناسب در بخش‌های زبان‌شناسی، نگارش و املا کمتر است. بنا به اظهارات اکثر این گروه از پاسخ‌دهندگان، محتوای بخش‌های زبان‌شناسی، نگارش و املا، بیشتر و بخش دستور زبان، کمتر با درک و فهم ایشان تناسب دارد. به علاوه، همخوانی فعالیت‌ها در بخش‌های چهارگانه مهارت‌های زبانی، مورد تأیید اکثریت قرار گرفته است. این در حالی است که دانش‌آموزان اذعان داشته‌اند که کتاب، کمتر به ارائه اطلاعات درباره ضرورت‌های زندگی، ایجاد علاقه و انگیزه برای فعال شدن و نیز ایجاد و تقویت نشاط و زنده‌دلی و بستری برای بروز خلاقیت، مخاطبان پرداخته است. از سوی دیگر، دانش‌آموزان در توضیحات تکمیلی اظهار داشته‌اند که درس‌های مربوط به زبان‌شناسی بسیار سنگین و یادگیری آن‌ها مشکل است، اما توضیحات خیلی خوب دبیر، مطالب را قابل فهم می‌کند. آنان همچنین نیاز واقعی خود را درست نوشتن، درست سخن گفتن و قدرت استدلال ذکر کرده‌اند، نه حفظ قواعد دستوری. به‌زعم

دانش‌آموزان، محتوای دروس نگارش در زندگی کاربرد ندارد و نیازهای واقعی مثل نامه‌نگاری و گزارش‌نویسی را در نظر نگرفته است. مطالب بسیار دشوار و غیرقابل فهم‌اند و از کلمات مبهم و غیرقابل درک استفاده شده است. در بخش املا نیز بسیاری از کلمات را در زبان امروزی کاربردی نمی‌دانند و برای کنجکاو در این زمینه جایگاهی قائل نشده‌اند. اظهارات دانش‌آموزان حاکی از آن است که در برخی درس‌ها از کلمات ثقیل استفاده می‌شود که در زبان امروزی کاربردی ندارند و با درک و فهم آن‌ها همخوان نیستند (از قبیل تعبد، زهد و...). به اعتقاد آنان، فعالیت کتاب در مورد املا هیچ کمکی به آنان نمی‌کند، چون کلماتی وجود دارند که امروزه حذف

تلقی دبیران از ارزشیابی تکوینی، اخذ چند آزمون دوره‌ای و اختصاص نمره به آن است؛ در حالی که ماهیت ارزشیابی تکوینی با این طرز تلقی تفاوت بسیار دارد

شده‌اند و هیچ کاربردی ندارند و بیشتر درس‌های املایی تکراری هستند. در مقابل، تعداد کمتری از دانش‌آموزان چنین اظهار داشته‌اند: «تنها مسئله، نبودن فرصت برای تمرین است و این، باعث ضعف مهارت‌های زبانی می‌شود».

ت. همخوانی فضا، امکانات و تجهیزات آموزشی پیش‌بینی شده در برنامه با شرایط واقعی اجرا دیدگاه‌های دبیران

به‌زعم ایشان، اکثر مدارس از نظر فناوری آموزشی ضعیف‌اند یا امکانات لازم را ندارند. این گروه از پاسخ‌دهندگان همچنین به ضرورت وجود منابع و سایر وسایل آموزشی اذعان داشته بیان می‌دارند که با توجه به رشد روزافزون وسایل ارتباط جمعی، امروزه اکتفا کردن به کتاب به‌عنوان تنها وسیله آموزشی، درست نیست. از سوی دیگر، اعتقاد بر این است که استفاده از انواع فناوری‌های آموزشی

به معلم کمک می‌کند که کمتر از روش سخنرانی استفاده کند و فرایند یاددهی - یادگیری را جذاب‌تر و ماندنی‌تر سازد. همچنین برای درس توصیف که مربوط به توصیف مناظر و چهره‌ها و حالات مختلف است، استفاده از عکس‌ها و تصاویر و نیز برای نشان دادن تفاوت نوشته‌های علمی و ادبی، استفاده از فیلم‌های مستند و ادبی و شعر را مناسب دانسته‌اند. آنان تأکید می‌کنند که می‌توان با استفاده از محیط مجازی، شیوه‌های جدید و عملی آموزش زبان فارسی را اجرایی کرد.

در خصوص کتاب راهنمای معلم در صفحات آغازین کتاب راهنمای تدریس مربوط به کتاب زبان فارسی دوره متوسطه، توضیحاتی از عناصر برنامه و نیز توصیه‌هایی برای راهنمایی دبیران آمده که اکثر آنان، این مباحث را قابل استفاده خوانده و بیان داشته‌اند که روش‌های تدریس پیشنهادی به دبیر در انتخاب روش مناسب تدریس کمک می‌کنند. به علاوه، برخی دیگر از این گروه، ارتقاء سطح علمی کتاب را از جنبه روشی و ارائه مباحث تازه‌تر بیان کرده و آن را نیازمند بازنگری دانسته‌اند. دبیران اظهار می‌دارند که کتاب راهنمای معلم در مجموع کتاب مفیدی است، اما معمولاً به‌دست دبیران نمی‌رسد. از سوی دیگر، تعداد قابل توجهی از دبیران معتقدند که این کتاب چندان کاربردی نیست و گاهی باعث سردرگمی بیشتر آن‌ها می‌شود. همچنین نمی‌توان از محتوای آن به خوبی در تدریس و ارائه تمرین‌های بیشتر به دانش‌آموزان استفاده کرد. این کتاب جز در زمینه شیوه‌های تدریس، قدرت دانش‌افزایی زیادی ندارد. به‌زعم برخی دیگر از دبیران، با توجه به نمونه‌های بیشتر و اطلاعات جامعی که از محتوای درس و روش‌های مناسب تدریس در اختیار دبیر می‌گذارد، می‌توان گفت که مباحث مطرح شده در این کتاب با نیازهای حرفه‌ای دبیران تناسب دارد. البته فصل ارزشیابی نیازمند بازنگری جدی است؛ زیرا شیوه‌های ارزشیابی براساس اصولی قدیمی و معیارهایی منسوخ‌شده است. دبیران می‌گویند در مبحث تبیین رویکرد برنامه

آمده است: «هدف اصلی درس‌ها ایجاد تغییر مناسب و عمیق در رفتار زبانی و... و کشف استعدادهای کلامی و نویسندگی دانش‌آموزان است. لذا بی‌انصافی است اگر بگوییم طی سه سال یادگیری زبان فارسی، هیچ تأثیری در رفتار کلامی و... دانش‌آموزان ایجاد نشده است اما باید اعتراف کرد که به اندازه وقت با ارزشی که نیروهای ما (پژوهندگان، مؤلفان، دبیران و دانش‌آموزان) صرف کرده‌اند، نتوانسته‌ایم استعدادهای ادبی و زبانی را بارور کنیم؛ زیرا زنگ انشا را از دست داده‌ایم!

دیدگاه‌های دانش‌آموزان

طبق نظر اکثر دانش‌آموزان، استفاده از امکانات ضروری است؛ زیرا علاقه به یادگیری را تقویت می‌کند و باعث می‌شود که آن‌ها با شور و نشاط بیشتری به درس توجه کنند. به علاوه، ایشان نیازمندی خود را به کتاب‌های تاریخچه زبان، فیلم‌های آموزشی و نرم‌افزار کامپیوتری اعلام کرده‌اند تا از این طریق یادگیری بیشتر و مؤثرتری داشته باشند. آنان می‌گویند: «وقتی دبیر، برخی از دروس را به صورت پاورپوینت تدریس می‌کند، بهتر متوجه می‌شویم و جذابیت بیشتری برایمان دارد.» در مقابل، برخی دیگر از آن‌ها وجود معلم آگاه و متخصص را جذاب‌تر از سایر امکانات ذکر کرده‌اند؛ چرا که به آن‌ها انرژی می‌بخشد و با دانش و روابط صمیمانه خود، کمبودها را جبران می‌کند. دانش‌آموزان با اشاره به عدم نیاز به ابزار و تجهیزات برای درس فارسی، تصریح می‌کنند که تنها هنر فردی دبیر در تدریس تأثیرگذار است. به گفته آنان، تنها چیزی که بسیار ضروری است، وجود دبیری خوب و سرشار از انرژی است.

ث. تناسب زمان آموزش با محتوای کتاب

دیدگاه‌های دبیران

دبیران، با انتقاد از زمان پیش‌بینی شده برای تدریس می‌گویند: «در برخی از کلاس‌های مناطق محروم و دوزبانه با وجود تعداد زیاد دانش‌آموز، فرصت کمی برای تدریس مفاهیم دستوری و نگارشی

به‌طور کامل و عملی وجود دارد.» آنان تأکید می‌کنند که زمان پیش‌بینی شده در اکثر دروس برای رسیدن به اهداف «شناختی» و «عاطفی» مناسب است اما برای رسیدن به اهداف مهارتی نیاز به زمان بیشتری است. دبیران در بخش دیگری از دیدگاه‌های خود، حجم زیاد محتوای کتاب و زمان کم تدریس را مورد انتقاد قرار داده و بیان کرده‌اند که زمان تدریس با محتوای دروس سازگاری ندارد و انتظارات تدریس برآورده نمی‌شود. طبق اظهارات آنان، بسیاری از دبیران به علت کمبود وقت، بخشی از خودآموزی‌ها و فعالیت‌ها را پاسخ می‌دهند که این امر از کیفیت آموزش می‌کاهد و اساساً زمان کافی برای تمرین‌های عملی وجود ندارد. آنان اشاره می‌کنند که برخی از درس‌ها به دلیل تازگی یا مشکل بودن نیاز به صرف وقت بیشتری دارند؛ مثل مبحث دستوری و وابسته‌های و وابسته و انواع متمم‌های اجباری و اختیاری و قواعد ترکیب. از نظر این گروه از پاسخ‌دهندگان، به دلیل محدودیت زمانی، نیازهای دانش‌آموزان در زمینه تکرار و تمرین و کار عملی رفع نمی‌شود و بیشتر به روخوانی و طرح چند سؤال اکتفا می‌شود.

دیدگاه‌های دانش‌آموزان

اکثر دانش‌آموزان بر این باورند که با توجه به تعداد دروس، زمان در نظر گرفته شده برای این درس کم است. آنان اظهار می‌دارند که زمان باید دوبرابر شود. در غیر این صورت، هیچ استعدادی شکوفایی نمی‌شود؛ نظر دانش‌آموزان، دروس کتاب بسیار زیاد و برای فهم آن‌ها و کسب مهارت، نیاز به زمان بیشتری است. دانش‌آموزان در این باره نگرانی‌هایی را ابراز کرده و اظهار داشته‌اند که زمان تعیین شده، پاسخ‌گوی نیازهای آنان نیست.

۲. میزان تحقق اهداف برنامه

برای آگاهی از میزان موفقیت اهداف تعیین شده در برنامه درسی زبان فارسی دوره متوسطه، عملکرد دانش‌آموزان گروه نمونه از طریق آزمون‌های مداد-کاغذی، اندازه‌گیری شد. این ابزارها که برای چهار گروه از دانش‌آموزان درس زبان فارسی (اول، دوم،

سوم عمومی و سوم تخصصی) تهیه شد، محقق ساخته بودند و میزان یادگیری آنان را در زمینه مهارت‌های زبانی مورد سنجش قرار می‌دادند. آزمون‌های طراحی شده با تعیین بارم هر سؤال و پس از گذر از مرحله روایی و پایایی به عرصه اجرا وارد و با تصحیح اوراق امتحانی، نتایج، مشخص و تحلیل شدند:

با توجه به معیار تعیین شده، یعنی کسب ۷۰ درصد نمره به عنوان معیار قابل قبول برای تحقق اهداف، عملکرد دانش‌آموزان در بخش‌های گوناگون دانش (زبان‌شناسی) و مهارت (دستور زبان، املا و نگارش) زبان فارسی کمتر از حد انتظار بوده است. شایان ذکر است که در ارزشیابی عملکردی کلیه بخش‌های آزمون، ترکیبی از سؤال‌های چندگزینه‌ای، کوتاه‌پاسخ و تشریحی بر اساس محورهای تعیین شده، با توجه به اهداف برنامه و نظارت مسئول گروه درسی مربوط، در بخش‌های شناختی یا دانشی (زبان‌شناسی)، مهارتی (دستور زبان، املا و نگارش) و نگارشی طراحی و اجرا شدند. یافته‌ها نشان داده‌اند که بر اساس آزمون برگزار شده، اهداف زبان فارسی دوره متوسطه در بخش‌های گوناگون، کمتر از میزان مورد انتظار محقق شده‌اند. اگرچه می‌توان گفت که عوامل ناخواسته و متعددی مانند شرایط و میزان آمادگی‌های آزمون‌شوندگان، محیط اجرا، توضیحات ناکافی برگزارکنندگان، سؤال‌های آزمون و... بر نتیجه آزمون تأثیرگذار بوده‌اند. به همین دلیل، لازم است عوامل ضعف در کسب مهارت‌های این بخش به‌طور دقیق شناسایی شدند و تدابیر لازم به‌منظور ارتقاء سطح دانش مخاطبان از این حیث، اتخاذ گردد. به عبارتی، این نوع آزمون‌ها نیازمند صرف وقت بیشتری و ایجاد شرایط مناسب‌تری را برای دریافت نتایج دقیق‌تر طلب می‌کنند.

جمع‌بندی

● یکی از موضوعاتی که لازم است مورد توجه جدی قرار گیرد، آگاهی دبیران در زمینه انواع روش‌های تدریس به‌منظور پایدار کردن یادگیری‌های دانش‌آموزان است.

ادامه مطلب در صفحه ۹۵